

تبیین جامعه‌شناختی نقش نهادهای مدنی در برقراری دموکراسی محلی در شهر تهران سال ۱۳۹۵

حسین بشیری گیوی^۱، مهرداد نوابخش^۲، سروش فتاحی^۳

چکیده

این تحقیق با عنوان تبیین جامعه‌شناختی نقش نهادهای مدنی در برقراری دموکراسی محلی در شهر تهران سال ۱۳۹۵ به روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام شد. امروزه به دلیل گستردگی و پیچیدگی مسائل شهری و همچنین کسب تجارب گوناگون در زمینه شرایط تحقق پروژه‌ها و برنامه‌های شهری، جلب مشارکت‌های مردمی در راستای دستیابی به اهداف مطلوب جوامع محلی، از ملزومات مدیریت شهر است. از سویی، تجربه نشان داده که تحقق امر مشارکت در معنای واقعی آن مستلزم نهادینه شدن و پایداری مشارکت است. امری که با شکل‌گیری طیف تشکل‌ها و نهادهای جامعه‌متقارن است. به بیان دیگر، گسترش و تعمیق مشارکت‌های مردمی نیازمند سازمان‌دهی، نهادسازی و ایجاد شرایط ساختاری مناسب است. فرضیه‌های مشارکت فرهنگی و اجتماعی با نهادهای مدنی رابطه معنی‌داری مشاهده شد ولی بین نهادهای مدنی و مشارکت مدیریتی، مشارکت در تصمیم‌گیری و مشارکت مشاوره‌ای رابطه معنی‌داری وجود نداشت. در آزمون رگرسیون ضریب تعیین تعدیل‌شده بیش از ۵۰ درصد به پیش‌بینی دموکراسی محلی با متغیر مستقل نهادهای مدنی پرداخت.

واژگان کلیدی: نهادهای مدنی، دموکراسی محلی، مشارکت، شهر تهران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: guivi.hb@gmail.com)
^۲ استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (Email: navabakhsh@srbiau.ac.ir)
^۳ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: fathi.soroush@wtiau.ac.ir)

مقدمه

شهر یک مجموعه است، مجموعه‌ای که عناصر و عوامل متعددی را در خود جای داده و آدم‌ها نیز در آن به شکل فردی، خانوادگی و گروهی در مکان‌های عمومی، خصوصی یا دولتی به فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی مشغول هستند (ثابتی راد، ۱۳۸۵: ۱۲). بنابراین شهر یکی از پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین جلوه‌های بشری را در خود دارد و لذا بدون وجود نظام مدیریت شهری، تقسیم کار و دموکراسی محلی بی‌سامان می‌گردد. از سوی دیگر، امروزه گستردگی و پیچیدگی مسائل شهری و رشد و توسعه روزافزون شهرها، مدیریت امور شهر را به وظیفه‌ای دشوار تبدیل نموده است. از این‌رو نهاد‌های مدنی و نهادهای عمومی برای بهبود شرایط محله‌های شهری و دموکراسی محلی در تلاش‌اند تا با استفاده از روش‌های مختلف، مشارکت مردمی را افزایش دهند و به وسیله این مشارکت زمینه‌ساز دستیابی به اهداف مطلوب جوامع محلی به وسیله خود آن‌ها شوند. در این‌بین، یکی از راه‌های تقویت مشارکت مردمی، گسترش سازمان‌های غیردولتی عنوان شده است. سازمان‌هایی که اساساً در اروپا و کشورهای در حال توسعه با اصطلاح 'NGO' (سازمان‌های غیردولتی) شناخته شده و در ایران، سازمان مردم‌نهاد یا به اختصار، سمن خوانده می‌شوند.

این سازمان‌ها که در حقیقت ریشه در تحولات سیاسی و اجتماعی مغرب زمین از قرن ۱۷ به بعد به ویژه قرن ۱۹ دارند، ارتباط تنگاتنگی نیز با مفهوم جامعه مدنی داشته و حتی از دیدگاه نظریه‌پردازانی چون کلارکو مور، به عنوان وسیله‌ای برای دموکراتیزه کردن و جز ضروری پیشرفت جامعه مدنی در نظر گرفته می‌شوند (زاهدی، ۱۳۸۸).

جامعه مدنی^۲ که بار معنایی فعلی خود را از قرن نوزدهم به بعد به دست آورده، اصطلاحی است که بر وجه ارزشی ساخت اجتماعی جوامع مدرن اطلاق می‌شود و در ماهیت خود استقلال از ساختار رسمی قدرت را به ذهن متبادر می‌سازد (بابایی، ۱۳۹۰). از نظر تاریخی مفهوم جامعه مدنی در اندیشه سیاسی، در پنج معنای متفاوت به کار رفته است (بشیریه، ۱۳۷۴: ۳۳):

۱. به مفهوم دولت در اندیشه ارسطویی در مقابل خانواده و در اندیشه اصحاب، قرارداد اجتماعی در مقابل وضع طبیعی
۲. به مفهوم جامعه متمدن در مقابل جامعه ابتدایی در اندیشه کسانی چون فرگوسن در کتاب درباره تاریخ جامعه مدنی (۱۷۶۷)
۳. به مفهوم شکل اولیه تکوین دولت در اندیشه هگل
۴. به مفهوم حوزه روابط مادی و اقتصادی و علایق طبقاتی و اجتماعی در مقابل دولت و به عنوان پایگاه در اندیشه مارکس
۵. جامعه مدنی به عنوان جزئی از روبنا (نه حوزه زیربنا طبق اندیشه مارکس) و مرکز تشکیل قدرت ایدئولوژیک یا هژمونی فکری طبق حاکمه در اندیشه گرامشی

اما در مجموع و از میان تعاریف زیادی که برای جامعه مدنی نقل شده، امروزه بهترین تعریف را می‌توان از آن مدرسه اقتصاد لندن دانست که مرکزی برای پژوهش درباره جامعه مدنی است: «جامعه مدنی به بستری از کردارهای مشترک غیر تحمیلی، حول منافع، اهداف و ارزش‌های مشترک گفته می‌شود. قالب‌های نهادینه آن با دولت، خانواده و بازار متفاوت هستند. هرچند در عمل مرز میان دولت، جامعه مدنی، خانواده و بازار، پیچیده، نامشخص و محل مناقشه است. جامعه مدنی عموماً تنوعی از فضاها، عاملان و قالب‌های نهادینه را در خود دارد که در درجه‌های مختلفی از تشریفات، استقلال داخلی و قدرت قرار دارند. جامعه‌های مدنی اغلب به وسیله نهادهایی مثل موسسه‌های خیریه ثبت شده، سازمان‌های غیردولتی توسعه، سازمان‌های زنان، سازمان‌های عقیده محور، انجمن‌های متخصصان، اتحادیه‌های کارگری، حرکت‌های اجتماعی، انجمن‌های صنفی و ائتلاف‌ها پر می‌شوند» (بابایی، ۱۳۹۰).

در ادبیات مربوط به جامعه مدنی در ایران نیز دودسته تعریف وجود دارد. در تلقی اول، جامعه مدنی، جامعه‌ای است قانونمند و مبتنی بر قراردادهای اجتماعی، شفاف، حافظ حقوق افراد، مبتنی بر حاکمیت ملی و توزیع کننده قدرت در چهارچوب احزاب و شوراها.

^۱ non-governmental organization

^۲ Civil Society

در این تلقی وقتی اصطلاح جامعه مدنی به کار می‌رود اشاره به کل جامعه است. این تلقی جامعه مدنی را به‌عنوان یک آرمان‌شهر در نظر می‌گیرد و چون جامعه ایران و جوامع پیرامونی با آن فاصله‌ای بسیار دارند حکم به عدم وجود جامعه مدنی در این جوامع می‌دهد (اسلامی، ۱۳۸۵).

اما تعریف و تلقی دوم از جامعه مدنی که مورد تأیید اغلب پژوهشگران بوده و در ادبیات سیاسی غرب نیز حاکم است، جامعه مدنی را فضای حائل میان دولت و خانواده معرفی می‌کند. (همان) بنابراین جامعه مدنی حوزه‌ای از روابط اجتماعی فارغ از دخالت مستقیم دولت و مرکب از نهادهای عمومی و گروهی است. جامعه مدنی عرصه قدرت اجتماعی است درحالی‌که دولت عرصه قدرت سیاسی و آمرانه است (بشیری، ۱۳۸۲: ۵۶۷).

بنابراین به نظر می‌رسد درک هر چه بهتر چرایی و چگونگی ارتباط میان این سازمان‌ها با برنامه‌های توسعه و به‌ویژه فعالیت‌های حوزه مدیریت شهری و دموکراسی محلی نه تنها نیازمند بررسی دلالت‌های مفهومی و ویژگی‌های آن‌ها است، بلکه مستلزم نگاهی به خاستگاه این سازمان‌ها (جامعه مدنی) و تحلیل زمینه‌های سیاسی و اجتماعی ایران در راستای گسترش فعالیت‌های چنین سازمان‌هایی نیز است و به نظر می‌رسد هر چه نهادهای مدنی بومی و محلی با ارزش‌ها و نقش‌های محلی شکل گیرد بهتر می‌تواند در تقویت و استحکام دموکراسی محلی نقش مهمی داشته باشد.

به‌طور کلی دغدغه و پرسش آغازین این مطالعه عبارت است از: ابعاد و مؤلفه‌های دموکراسی محلی کدامند؟ نهادهای مدنی در شکل‌گیری دموکراسی محلی چه نقشی دارند؟ آیا ارزش‌ها و نقش‌هایی که در نهادهای مدنی محلی وجود دارد می‌تواند نقش تقویت‌کننده در دموکراسی محلی داشته باشند؟

پیشینه تحقیق

در زمینه دموکراسی و مشارکت سیاسی تحقیقات متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. البته بررسی تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که بیشتر تحقیقات بر ابعاد خاصی از دموکراسی به‌ویژه مشارکت سیاسی دارند و آن را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. در این بخش به‌مرور تعدادی از تحقیقات انجام‌شده در رابطه با مشارکت سیاسی و ابعاد مختلف آن پرداخته می‌شود. ابتدا به بررسی پاره‌ای از تحقیقات داخلی و سپس تحقیقات خارجی پرداخته می‌شود.

موسوی (۱۳۷۷)، به بررسی مشارکت سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در قالب نظریه‌های روان‌شناختی پرداخته است و نتایج به‌دست آمده حاکی از این واقعیت است که اگر فرد نسبت به پاداش‌ها و مزایای حاصله از آن ارزش بالایی قائل باشد و نیز نسبت به اثربخشی فعالیت سیاسی خود اطمینان بالایی داشته باشد و درنهایت اگر احساس کند که اطلاعات کاملی در مورد نامزدهای انتخاباتی کسب کرده، به‌احتمال زیاد، در انتخابات شرکت خواهد کرد. ساروخانی و هاشمی (۱۳۹۰)، در پژوهشی به نگرش جوانان شهر ساری به مشارکت و احساس امنیت اجتماعی در بین آن‌ها پرداخته‌اند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه جوانان ۱۵-۲۹ سال شهر ساری تشکیل داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین مشارکت و روابط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری رابطه معناداری وجود دارد. محمدی (۱۳۸۰)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی ارتباط پایگاه اجتماعی و اقتصادی زمینه‌های خانوادگی، ساخت شخصیتی افراد با میزان مشارکت سیاسی آنان نشان داد که بین متغیرهای درآمد، محل سکونت، مشارکت در تصمیم‌گیری خانواده، میزان مشارکت سیاسی والدین، احساس ناکامی، جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی رابطه وجود دارد. به‌نحوی که در ارتباط با متغیر جنسیت معلوم شد که میزان مشارکت سیاسی مردان بیشتر از زنان است و پایگاه اقتصادی اجتماعی آنان نقش تعیین‌کننده‌ای بر مشارکت سیاسی ندارد. سراج زاده (۱۳۶۸)، طی پژوهشی تحت عنوان «بررسی میزان مشارکت مردم در انتخابات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی» نتیجه‌گیری نمود که تبلیغات و انگیزش‌های دینی مردم بر شرکت آن‌ها در انتخابات نقش مهمی داشته است به‌نحوی که ارزش‌ها و نهادها، نگرش‌های دینی در سیاسی کردن افراد جامعه مؤثر بوده و روند مشارکت جویی و زندگی سیاسی را تعیین می‌کنند. قاسمی (۱۳۷۹)، در تحقیقی تحت عنوان «تحلیلی بر وضعیت مشارکت

سیاسی زنان در اصفهان، بین ۵۰۰ زن ۲۰ تا ۳۹ ساله ساکن در مراکز شهرستان‌های استان اصفهان» نشان داد که زنان خانه‌دار و بی‌کار (اعم از ازدواج‌نکرده، غیر دانشجو و بدون درآمد) در مقایسه با زنان دانشجو و شاغل از سطح مشارکت سیاسی بسیار پایین‌تری برخوردارند. گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ ساله نیز سطح مشارکت سیاسی بالاتری را نسبت به گروه سنی ۳۰ تا ۳۹ ساله نشان می‌دهد. زنان اصفهانی که در خانواده‌های بانفوذ اجتماعی بیشتر و سطح رفاه بهتر زندگی می‌کنند نیز از سطح مشارکت سیاسی بالاتری نسبت به سایر افراد برخوردارند. بر اساس نتایج این پژوهش هرچه اطلاعات سیاسی زنان افزایش یابد سطح مشارکت سیاسی آنان نیز افزایش خواهد یافت. از میان عوامل فردی و خانوادگی تأثیرگذار بر سطح مشارکت سیاسی نیز به ترتیب متغیرهای اطلاعات سیاسی، نفوذ اجتماعی خانواده و وضع تا هل از اهمیت بیشتری نسبت به بقیه برخوردارند. رضی (۱۳۷۴)، نیز طی پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات دوره ششم ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی» به تحلیل رفتار سیاسی مردم پرداخته و معتقد است روند رفتار مردم دارای فراز و نشیب بوده است و متغیرهای اجتماعی از قبیل مذهب، شهرنشینی تعداد جمعیت شهری و... نقش مؤثر داشته‌اند. به‌نحوی که تورم، بیکاری و شهرنشینی تأثیرات منفی، سواد و جنسیت بیشترین تأثیر مثبت را بر مشارکت سیاسی داشته‌اند. سید امامی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مشارکت سیاسی دانشجویان با ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی» در یک حجم نمونه ۵۰۰ نفری به بررسی مشارکت سیاسی در سه سطح مشارکت سیاسی متعارف، اعتراضی و پست‌مدرن پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از «نظریه منابع» سطوح مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار داد. یافته‌های تحقیق مذکور، با توجه به جمعیت مورد بررسی، رابطه آماری معناداری را میان منابع اجتماعی - اقتصادی افراد و مشارکت سیاسی آنان نشان نمی‌دهد، اما برخی از منابع انگیزشی یا روان‌شناختی مورد ادعای نظریه منابع به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی تأیید می‌شوند (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۲).

سید امامی، افتخاری و عبدالله (سید امامی و دوستان، ۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان» به ارزیابی علمی قضاوت‌های مختلف در زمینه ابعاد سیاسی زندگی جوانان پرداخته و رفتار سیاسی آنان را مورد توصیف، تحلیل و تبیین قرار داده‌اند. هدف‌های این پژوهش شامل: الف (بررسی اشکال مختلف مشارکت سیاسی جوانان و نحوه تحولات آن؛ ب) سنجش ارزش‌ها، نگرش‌ها و دیدگاه‌های جوانان در خصوص مهم‌ترین مقولات سیاسی کشور، ج ارائه مونه‌شناسی رفتار سیاسی جوانان، بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در تمامی خرده مقیاس‌های مورد استفاده برای سنجش ارزش‌های سیاسی جوانان، پاسخگویان وضعیت مناسبی از اعتقاد به ارزش‌های سیاسی اصلی را از خود به نمایش گذاشته‌اند که با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان و والدین آنان از اعتقاد به ارزش‌های سیاسی کاسته می‌شود و نگرش آنان به سیاست داخلی و خارجی به سمت منفی شدن سوق می‌یابد. هرچند میزان اعتماد سیاسی جوانان در مجموع بالاست، اما نتایج پژوهش حاکی از اعتماد ضعیف پاسخگویان به برخی نهادهاست. در مجموع نگرش به دولت در سال مورد نظر مثبت‌تر از نگرش به قوای دیگر بوده است. احزاب و جریان‌های سیاسی علاوه بر کسب نمره پایین در خرده مقیاس اعتماد سیاسی در خرده مقیاس نگرشی نیز نمره پایین کسب کرده‌اند. با وجود درصد بالای اعلام شده در مورد عضویت در برخی نهادها، درصد مشارکت واقعی در فعالیت‌ها و یا انجام کار داوطلبانه برای این نهادها توسط جوانان عضو پایین است. این امر نشانه صوری بودن عضویت در بسیاری از موارد و نیز مشارکت منفعلانه در موارد دیگر است. مهم‌ترین موانع مشارکت سیاسی که از سوی جوانان اعلام شده عبارت است از: ترجیحات فردی، دسترسی نداشتن به راه‌های مشارکت سیاسی، آگاهی نداشتن از نحوه مشارکت. بررسی مشارکت سیاسی جوانان نشان می‌دهد در مشارکت انتخاباتی، اولاً با افزایش درجه اهمیت انتخابات میزان مشارکت بیشتر می‌شود. ثانیاً متوسط مشارکت برابر ۶۰٪ است. ثالثاً در مشارکت حزبی، گرایش‌های حزبی جوانان پایین بوده به طوری که بیش از ۷۰٪ پاسخگویان هیچ‌گاه برای ستاد انتخاباتی یک نامزد انتخاباتی فعالیت نکرده‌اند و یا تلاشی برای قانع ساختن دیگران جهت رأی دادن به کاندیدای یک جناح یا یک حزب خاص نداشته‌اند. در مورد سایر اشکال مشارکت

سیاسی ۸۳٪ پاسخگویان هیچ‌گاه در یک سخنرانی سیاسی شرکت نداشته و ۸۷٪ اظهار داشته که اقدام به برگزاری گردهام آبی سیاسی نکرده‌اند. بالاترین میزان مشارکت سیاسی در تظاهرات رسمی صورت گرفته است.

در بخش پژوهش‌های خارجی می‌توان به نتایج تحقیقات لیست در خصوص فعالیت‌های سیاسی در کشورهای آلمان، سوئد، نروژ و فنلاند و ... اشاره کرد. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که تفاوت‌های شهری و روستایی در برخی مشارکت‌های سیاسی مانند انتخابات وجود دارد؛ ولی شامل برخی دیگر نمی‌شود. در کشورهایی که دارای سنت‌های قدیمی رهبری جمعی هستند، مشارکت در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. لیست به این نتیجه می‌رسد که الگوی مشارکت سیاسی در مورد شرکت در انتخابات در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیش از زنان، تحصیل کرده‌ها بیش از افراد کمتر آموزش دیده، شهرنشینان بیش از روستاییان، افراد میان‌سال بیش از جوانان و کهن سالان، متأهلین بیش از مجردان، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد دارای منزلت پایین و افرادی که عضو سازمان هستند، بیش از افرادی که عضویت ندارند، در انتخابات شرکت می‌کنند (لیست، ۱۳۷۳: ۳۷۹ - ۴۱۸). نابلز و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی تحت عنوان استقلال ملی، مشارکت سیاسی و امید به زندگی در نروژ، به بررسی نقش استقلال ملی و مشارکت سیاسی بر سلامتی افراد با استفاده از داده‌های طول عمر پرداختند. آن‌ها برای تحلیل داده‌ها از روش سری‌های زمانی استفاده کردند. داده‌های تاریخی، توانایی آن‌ها را برای تفسیر سلامتی افراد تحت تأثیر استقلال ملی و مشارکت سیاسی به‌طور علی افزایش داد. بنابراین آن‌ها اثر مثبت و معناداری بر طول عمر زنان نروژی متولد شده در گروه یا نسل ۱۹۰۶ مشاهده کردند، همچنین نتیجه گرفتند که اثرات مفید احتمالاً از طریق تغییر بیولوژیکی و یا سرمایه‌گذاری بر روی نوزادان که خاص سال اول زندگی است ناشی می‌شود. جمننا و کارل رو (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی» بر روی گروهی از دانشجویان رومانی نشان دادند که میزان رأی دادن در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت سیاسی نداشتند. هافمن و دود (۲۰۰۸)، ضمن تحقیقی با عنوان «مذهب، جنسیت و مشارکت سیاسی در افریقا» که در زمینه بررسی ارتباط نگرش مذهبی (اسلام و مسیحیت) با میزان مشارکت سیاسی سه کشور نیجریه، اوگاندا و سنگال به عمل آوردند، با نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی از نظر شناخت سیاسی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنش سیاسی این افراد دارد. یافته‌ها نشان داد عقاید مذهبی تأثیرات مثبتی روی مشارکت سیاسی افراد می‌گذارد. همچنین این تحقیق نشان داد که زنان مذهبی‌تر از مردان هستند و همچنین طبق یافته‌ها، هر دو مذهب اسلام و مسیحیت افراد را به مشارکت در امور اجتماعی فرامی‌خواند اما مشارکت در بین افراد مسلمان بیشتر از افراد مسیحی بوده است.

چارچوب نظری

بر مبنای یک دسته‌بندی، نظریات متعددی در خصوص دموکراسی و خصوصاً مشارکت سیاسی مطرح گردیده است که هر کدام به سطوح مختلفی از تأثیرگذاری شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی اشاره دارند.

هوگو مشارکت را میزان تأثیر واقعی اعضای گروه در تصمیمات گروهی تعریف کرده است (هوگو، فرهنگ علوم اجتماعی: ۱۴۷). ساموئل پل این مفهوم را درباره توسعه و در سطح محلی تحلیل می‌کند. از نظر او مشارکت محلی فرایندی فعال است که در آن بهره‌مندان به‌جای اینکه صرفاً سهمی از مزایای طرح دریافت کنند، بر جهت‌گیری و اجرای طرح‌های توسعه تأثیر می‌گذارند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

تحقیقات جان ترنر و دیگران در خصوص مشارکت نشان می‌دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند، هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی، توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود (علوی تبار، ۱۳۷۹: ۶۵). از دیدگاه ارنشتاین مشارکت دارای سطوح متفاوتی است. این سطح از بی‌قدرتی محض شهروندی تا کنترل شهروندی ادامه دارد. او مشارکت شهروندی را به پلکانی توصیف کرده است که از بی‌قدرتی شهروندی شروع شده

تا اختیار و قدرت تفویض شده شهروندی کشیده می‌شود. دو پله اول، اصلاً شکلی از مشارکت مردمی را دارا نیست و فقط جنبه‌های فریبکاری و دست‌کاری مردمی را در خود دارد. سطح میانی که سه پله دارد به انتقال اطلاعات و دریافت پیشنهادهای می‌پردازد، اما ضمانتی بر اعمال نظرات و پیشنهادهای وجود ندارد و شکل یک‌طرفه‌ای دارد؛ اما مرحله سوم که کنترل شهروندی را شامل می‌شود شامل شراکت، تفویض اختیار و کنترل شهروندی است. در این مرحله شهروندان به کار مسئولین شهری نظارت و مدیریت دارند. نکته مهم این است که ایجاد مشارکت شهروندی به صورت پله‌ای و سلسله‌مراتبی است و بودن در هر مرحله دلیلی بر حرکت رو به رشد پله‌های مشارکتی است (سایت مرجع مدیریت شهری). در این بین علاوه بر ارائه نظریات مفهومی در خصوص مشارکت، به دلیل وجود همبستگی میان مشارکت مردمی و میزان موفقیت برنامه‌های توسعه، طیف وسیعی از مطالعات نیز به شناخت موانع و ارائه راه‌کارهای ارتقای مشارکت‌های مردمی سوق پیدا کرده است. کائوتوری بر تأثیر اراده سیاسی دولت، ابزارهای قانونی و نهادهای مناسب اجتماعی بر مشارکت‌های مردمی تأکید کرده است (کائوتوری، ۱۳۷۵: ۶۶). بسیاری از جوامع در حال توسعه دچار فقدان ساختار دموکراتیک و فراهم نبودن شرایط ساختاری مناسب برای مشارکت فعالانه مردم در برنامه‌ها هستند. در این جوامع اغلب برنامه‌ریزی‌ها از بالا به پایین است و دولتمردان باور عمیقی از مشارکت مردمی ندارند؛ بنابراین چگونگی ساختار دولت و جایگاهی که برای سازمان‌های مردمی در برنامه‌های توسعه قائل هستند بر میزان مشارکت مردم در این برنامه‌ها تأثیرگذار است (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۳۲). در این زمینه، ماکس وبر، دولت را انحصار کاربرد مشروع قدرت در یک سرزمین معین تعریف می‌کند. از این رو شئون اجتماعی مختلفی برای کنترل دولت رقابت می‌کنند اما هیچ گروه اجتماعی مسلطی پیدا نمی‌شود (بشیریه، ۱۳۷۴: ۵۴) همچنین از نظر او اقتدار در شیوه دیوانسالاری از جمله ساخت‌های اجتماعی جامعه‌های امروزی است؛ بنابراین از بحث‌های وبر در این زمینه چنین برمی‌آید که او در تلاش است تا به گونه‌ای میان بوروکراسی و دموکراسی آشتی برقرار کند. با این حال بوروکراسی‌ها آن قدر بر تمرکز قدرت استعداد دارند که معمولاً وقتی از بوروکراسی سخن به میان می‌آید، آن را مترادف با سازمان‌های متمرکز می‌دانیم و به همین علت دانشمندان علوم سیاسی بوروکراسی را مغایر با رشد دموکراسی یا مردم‌سالاری می‌دانند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۳۳). بوروکراسی‌ها که خود تمرکز سازمانی را به همراه دارند در سطح دیگر عامل تمرکز سیاسی می‌گردند و حتی در طول زمان همین بوروکراسی‌ها هستند که مانع رشد سیاسی مردم یک جامعه می‌شوند؛ زیرا وقتی بوروکراسی بر جامعه حاکم شد، هیچ عملی خلاف آن نمی‌تواند انجام گیرد (همان: ۱۳۴). جان هیک، نظریه‌پرداز انگلیسی نیز بر وجود رابطه معکوس میان تمرکز و تغییر برنامه‌ها به سوی غیرمتمرکز و مشارکتی کردن آن‌ها تأکید کرده، زیرا بر اساس دیدگاه قدرت-کنترل، صاحبان قدرت دریافته‌اند که جلوگیری کردن از تغییر به نفع آن‌هاست. چون تغییرات ساختاری توزیع مجدد قدرت را به همراه دارد (دلوی، ۱۳۷۹: ۴۸۶). همچنین در رابطه دولت‌ها و مشارکت‌های مردمی، دوتو کویل به خطرهای ملازم با دولت‌های دموکراتیک پرداخته است. از دیدگاه او جامعه مدنی باید وسیله‌ای برای محدود کردن نهادهای قدرت و پاسخگو ساختن آن‌ها بیابد. یکی از این وسایل، توزیع قدرت بین نهادهای گوناگون و دولت است. وسیله دیگر، انتخابات دوره‌ای است. ولی از نظر دوتو کویل، مهم‌ترین وسیله کنترل قدرت وجود انجمن‌های اجتماعی است که آن‌ها را به چشم‌های مستقل جامعه تعبیر می‌کند و سبب بیداری جامعه می‌شوند... از نظر او، انجمن موجب می‌شود افراد متفرق به هم نزدیک شوند و به سوی یک هدف واحد حرکت کنند. انجمن‌ها اجتماعی مستمسک‌هایی هستند که به وسیله آن‌ها افرادی که به منافع شخصی خود می‌اندیشند، می‌آموزند با جمع احساس همبستگی کنند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۱۳۵). دوتو کویل جامعه را به سه بخش تقسیم می‌کند: ۱. دولت با نظام رسمی که از مجالس نمایندگی، دادگاه‌ها، اداره‌ها و نیروی انتظامی تشکیل می‌شود. ۲. حوزه فعالیت‌های اقتصادی خصوصی و ۳. جامعه مدنی که بر هنر انجمن و گروه‌ها مبتنی است. در حوزه سوم، احزاب، افکار عمومی، کلیساها، جنبش‌های اخلاقی، مجامع ادبی و علمی و انجمن‌های حرفه‌ای و تفریحی از نیروی فوق‌العاده‌ای برخوردارند. به وسیله این انجمن‌ها می‌توان زیاده‌روی احتمالی دولت‌های متمرکز را به خصوص در جوامع دموکراتیک تعدیل کرد (چاندوک، ۱۳۷۷: ۱۱۲). در ادامه این مبحث، کائوتوری اشاره می‌کند از آنجایی که در کشورهای جهان سوم اغلب با ساختارهای متمرکز مواجه هستیم، برای گسترش و نهادینه

شدن مشارکت مردمی لازم است به چندین عامل توجه شود. نخست آنکه، بدون تقسیم عادلانه قدرت سیاسی و اقتصادی، امکان مشارکت واقعی طبقات پایین جامعه وجود نخواهد داشت. همین مسئله است که با انقلابی گردانیدن هدف مشارکت نیل بدان را با مشکل روبرو کرده است. در واقع نیل به چنین هدفی تقسیم دوباره قدرت را که از سوسه‌انگیزترین منابع است، ایجاب می‌کند. تقسیم قدرت تنها در صورتی تحقق خواهد یافت که مسئولین امور با اتخاذ سیاستی قاطع در این کار مصمم شوند و توده‌ها به مبارزه علیه حقوق انحصاری تشویق شوند. دوم، تنها با تأکید بر اصول خودگردان است که می‌توان توده‌ها را از اعتماد به نفس برخوردار ساخت و این تحول روانی برای مشارکت و توسعه حائز اهمیت است. سوم، برای آنکه مردم بتوانند علیه قدرت بوروکراسی جاری عمل کنند، باید به صورت جمعی و در چارچوب اتحادیه‌ها، تعاونی‌ها، انجمن‌ها و غیره متشکل شوند. در نهایت فعالیت‌های جمعی در شرایطی شکل می‌گیرد که فرهنگ گفتگو و تحمل آرای دیگران وجود داشته باشد و روحیه عام‌گرایی به جای خاص‌گرایی در میان مردم تعمیم یابد (کائوتوری، ۱۳۷۵: ۱۷۳).

روش تحقیق

در این مطالعه از روش‌های کمی (پیمایش) و کیفی استفاده شد. در بخش کیفی، روش میدانی (مصاحبه عمیق) و اسنادی استفاده شد. اصولاً یکی از تفاوت‌های بنیادین علوم طبیعی و علوم انسانی، موضوعات مورد مطالعه آن‌هاست، این تفاوت بنیادین سبب می‌شود اندیشمندان و محققان علوم انسانی برای مطالعه و شناخت پدیده‌های اجتماعی و انسانی، در جستجوی روش‌های مطالعه مناسب و متناسب باشند. به‌ویژه این امر زمانی که اطلاعات کمی در مورد پدیده مورد نظر وجود دارد ضرورت تام می‌یابد. روش‌های کمی تا حد بسیاری به شیوه علوم طبیعی (اثباتی) عمل می‌نماید و سعی در آزمون تئوری در متن را دارد که در این تحقیق از روش کمی استفاده خواهد شد و به آزمون تئوری خواهیم پرداخت. همچنین در روش‌های کیفی بیشتر به دنبال کشف مسئله و در نهایت رسیدن به تئوری هستیم. روش‌های کیفی جزئیات دقیقی درباره پدیده‌هایی که به‌سختی با روش‌های کمی بررسی می‌شوند، به دست می‌دهد (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۹: ۳). بر این اساس با توجه به پدیده‌ای که در این مطالعه می‌خواهیم آن را بررسی کنیم یک پدیده اجتماعی، سیاسی و انسانی است و اطلاعات کمی در مورد موضوع در متن و در واقع از طبیعت مسئله مورد نظر داریم و این امر ما را مجاب می‌کند تا با روش کیفی و تکنیک‌های آن به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و تدوین و تحلیل آن‌ها دست بزنیم. در روش کمی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته آمار توصیفی نهادهای مدنی در تهران را مشخص می‌کنیم و همچنین به وسیله آمار استنباطی نوع رابطه و همبستگی نهادهای مدنی با دموکراسی محلی را مشخص و معین می‌کنیم. جامعه آماری شامل کلیه اعضای نهادهای مدنی شهر تهران اعم از زن و مرد است؛ که در روش کمی و کیفی از شیوه نمونه‌گیری غیر احتمالی (قضایوتی و هدفمند) استفاده می‌شود

یافته‌های تحقیق

فرضیه اصلی: بین نهادهای مدنی و برقراری دموکراسی محلی رابطه معنی‌داری وجود دارد

جدول (۱): آزمون پیرسون رابطه نهادهای مدنی و برقراری دموکراسی محلی

دموکراسی محلی	نهادهای مدنی	
۰/۳۹۵	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۴۵	۰	Sig سطح معنی‌داری
۲۴۰	۲۴۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر وابسته (دموکراسی محلی) و متغیر مستقل (نهادهای مدنی) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است. سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۴۵$ است که نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین نهادهای مدنی و دموکراسی محلی است و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر $۰/۳۹۵$ است که نشان‌دهنده شدت رابطه قوی و مستقیم بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تأیید می‌شود.

به عبارتی نتایج آزمون نشان می‌دهد دموکراسی محلی از نهادهای مدنی متأثر است و با توجه به اطلاعات جدول هرچقدر میزان و میانگین مشارکت نهادهای مدنی بیشتر شود، میزان و میانگین برقراری دموکراسی محلی بیشتر خواهد شد.

فرضیات فرعی

فرضیه: بین نهادهای مدنی و مشارکت فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۲): آزمون پیرسون رابطه بین نهادهای مدنی و مشارکت فرهنگی

مشارکت فرهنگی	نهادهای مدنی	
۰/۵۶۷	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰	Sig سطح معنی‌داری
۲۴۰	۲۴۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر وابسته (مشارکت فرهنگی) و متغیر مستقل (نهادهای مدنی) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است. سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری بین نهادهای مدنی و مشارکت فرهنگی است و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر $۰/۵۶۷$ است که نشان‌دهنده شدت رابطه بسیار قوی و مستقیم بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 ابطال و فرضیه H_1 تأیید می‌شود.

به عبارتی نتایج آزمون نشان می‌دهد مشارکت فرهنگی از نهادهای مدنی متأثر است و با توجه به اطلاعات جدول هرچقدر میزان و میانگین مشارکت نهادهای مدنی بیشتر شود، میزان و میانگین مشارکت فرهنگی بیشتر خواهد شد. فرضیه: بین نهادهای مدنی و مشارکت در تصمیم‌گیری رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۳): آزمون پیرسون رابطه بین نهادهای مدنی و مشارکت در تصمیم‌گیری

مشارکت در تصمیم‌گیری	نهادهای مدنی	
۰/۰۸۷	۱	همبستگی پیرسون
۰/۱۲۱	۰	Sig سطح معنی‌داری
۲۴۰	۲۴۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر وابسته (مشارکت در تصمیم‌گیری) و متغیر مستقل (نهادهای مدنی) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است. سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۱۲۱$ است که نشان‌دهنده عدم رابطه معنی‌داری بین نهادهای مدنی و مشارکت تصمیم‌گیری است در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 تأیید و فرضیه H_1 ابطال می‌شود.

فرضیه: بین نهادهای مدنی و مشارکت مدیریتی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۴): آزمون پیرسون رابطه بین نهادهای مدنی و مشارکت مدیریتی

مشارکت مدیریتی	نهادهای مدنی	
۰/۱۰۱	۱	همبستگی پیرسون
۰/۳۴۲	۰	Sig سطح معنی‌داری
۲۴۰	۲۴۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر وابسته (مشارکت مدیریتی) و متغیر مستقل (نهادهای مدنی) هر دو فاصله‌ای - فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است. سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۱۰۱$ است که نشان‌دهنده عدم رابطه معنی‌داری بین نهادهای مدنی و مشارکت در مدیریتی نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 تأیید و فرضیه H_1 ابطال می‌شود.

فرضیه: بین نهادهای مدنی و مشارکت مشاوره‌ای رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۵): آزمون پیرسون رابطه بین نهادهای مدنی و مشارکت مشاوره‌ای

مشارکت مشاوره‌ای	نهادهای مدنی	
۰/۰۶۷	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۹۹	۰	Sig سطح معنی‌داری
۲۴۰	۲۴۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر وابسته (مشارکت مشاوره‌ای) و متغیر مستقل (نهادهای مدنی) هر دو فاصله‌ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است. سطح معنی‌داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۶۷$ است که نشان‌دهنده عدم رابطه معنی‌داری بین نهادهای مدنی و مشارکت مشاوره‌ای است در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه H_0 تأیید و فرضیه H_1 ابطال می‌شود.

آزمون رگرسیون

جدول (۶): رگرسیون پیش‌بینی و همچنین تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل

مدل	R	ضریب تعیین رگرسیون	ضریب تعیین تعدیل شده رگرسیون	Error
۱	۰/۷۸۹	۰/۵۱۸	۰/۵۱۸	۱/۹۰۹۰

با توجه به اطلاعات جدول ضریب تعیین رگرسیون برابر $R^2 = ۰/۵۱۸$ است یعنی می‌توان با میزان ۵۱٪ به پیش‌بینی و همچنین تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پرداخت. به عبارتی ۵۰ درصد از تبیین (تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته) توسط متغیرهای این پژوهش صورت گرفته و مابقی آن توسط متغیرهای و عوامل دیگر است.

جدول (۷): آنووا سنجش رابطه معنی‌داری متغیرها

مدل	Sum of Squares	درجه آزادی	Mean Square	F مقدار	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۲۴/۱۶۶	۴	۴/۸۳۳	۱/۳۲۶	۰/۰۳۴
جمع	۱۳۵۸/۰۳۰	۲۴۳			

با توجه به جدول ANOVA میزان f برابر است با $f = ۱/۳۲۶$ و با توجه به سطح معنی‌داری $\text{Sig} = ۰/۰۳۴$ نشان‌دهنده رابطه معنی‌داری متغیرهاست.

سطح معنی‌داری	t مقدار	Standardized Coefficients		Unstandardized Coefficients		مدل
		Beta	Std. Error	B		
۰/۰۰۰	-۱/۲۹۸	-۰/۶۱۳	۰/۰۵۳	-۰/۶۹۸		مشارکت فرهنگی
۰/۰۰۰	۰/۱۵۴	۰/۵۳۴	۰/۰۲۳	۰/۷۱۷		مشارکت اجتماعی
۰/۰۶۷	۰/۸۲۶	۰/۱۲۳	۰/۰۲۸	۰/۲۱۳		مشارکت در تصمیم‌گیری
۰/۰۸۲	-۱/۷۴۱	-۰/۱۳۶	۰/۰۵۳	-۰/۰۹۸		مشارکت مدیریتی
۰/۰۷۸	۰/۵۲۵	۰/۰۳۸	۰/۰۱۸	۰/۰۱۰		مشارکت مشاوره‌ای

با توجه به اطلاعات جدول متغیرهای مشارکت فرهنگی، مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری دارند و مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت مدیریتی و مشارکت مشاوره‌ای رابطه معنی‌داری نداشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه شهرها در برنامه‌ریزی و اداره امورشان با مشکلاتی چون کمبود یا فقدان منابع درآمدی پایدار و نظام اداری و فنی ناکارآمد مواجه‌اند که جهت حل این مشکلات و پاسخ‌گویی به چالش‌های جامعه شهری، نیاز به مشارکت مردم است؛ اما مشارکت واقعی و آگاهانه مردم نیز تنها در سایه وجود و حضور جدی گروه‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی و غیردولتی میسر است که شهروندان را نسبت به حقوق، وظایف و تعهداتشان در برابر جامعه شهری و توانایی آنان را در کنترل و اداره محیط اطرافشان آگاه می‌سازند.

درواقع تشکل‌های غیردولتی به‌عنوان راهکاری نو برای مشارکت بخشی مردم در تعیین سرنوشت خود از آن‌جهت در دنیای امروز اهمیت یافته‌اند که می‌توانند به‌عنوان حلقه واسطه میان عناصر قدرت و مردم در انتقال خواسته‌های آنان به منابع قدرت باشند. سازمان‌هایی که به‌عنوان واسط و میانجی از حقوق شهروندان به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر و محروم در برابر نهادها، سازمان‌های حکومتی و دولتی و بخش خصوصی دفاع نمایند. مردم را برای تغییر وضع محیط زیست شان برانگیخته و بسیج سازند و برای آنان حمایت‌های مالی، فنی و مشاوره‌ای فراهم کنند. از لحاظ نظری سازمان‌های غیردولتی شفاف‌ترین بیانیه، جامعه مدنی هستند و از نوع سازمان‌های واسط و میانجی محسوب می‌شوند. لذا نقش سازمان‌های غیردولتی در افزایش مشارکت عمومی در جامعه شهری از اهمیت و ضرورت زیادی برخوردار است (میارنعمی، ۱۳۹۲).

درواقع تکیه بر ایجاد شبکه‌های مشارکتی مستقل از دولت یا همان سازمان‌ها و تشکل‌های غیردولتی، خصوصیت متمایز اندیشه معاصر است. این سازمان‌ها با حرکت جامعه از ساختارهای سنتی به مدرن و با از میان رفتن مشارکت‌های سنتی و نیز پیچیده شدن زندگی اجتماعی اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند.

اما ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در ایران در عرصه مشارکت مردمی بیشتر شاهد شکست بوده‌ایم تا موفقیت و در اکثر مواقع، بنا به دلایل ساختاری، نهادهای به وجود آمده، سهمی در پیشبرد برنامه‌ها به‌ویژه برنامه‌های توسعه‌ای نداشته‌اند. بسیاری از این شکست‌ها نیز به دلیل تزلزل در اراده سیاسی عناصر قدرت بوده است؛ زیرا مشارکت اغلب برای مشروعیت بخشیدن به سیاست‌ها بکار برده شده و یا ابزاری برای استفاده از سایر کمک‌های مردمی به‌صورت فعالیت‌های خودیاری به شمار آمده است. در چنین وضعیتی مشارکت تنها جنبه نمایشی داشته و برای نیل به اهدافی منحصرأ سیاسی و اقتصادی استفاده گردیده است.

مدیریت شهری نیز که در ایران به‌عنوان متولی اجرایی امور شهری، بعد از انقلاب مشروطه با عنوان بلدیة ایجاد شد و تا به امروز نیز دچار تحولات اساسی و دگرگونی‌های عمیقی شده و در عصر حاضر جنبه حکمرانی بر شهروندان را از نظر اجرایی یافته است، دارای ساختاری اجتماعی است. بدین معنا که هر یک از مدیران و کارمندان این مجموعه در قالب نظام روابط اجتماعی، نسبت به شهروندان تعهداتی دارند و چون شهروندان با این مجموعه‌سازمانی به نسبت سایر سازمان‌های شهری ارتباط تنگاتنگی دارند، انتظارات بیشتری نیز از آن خواهند داشت. این تعهدات و انتظارات متقابل می‌تواند در حفظ اعتماد اجتماعی به این مجموعه و تقویت مشارکت مردم با این مدیریت در طی سال‌های خدمات‌رسانی کمک بسیاری کند؛ اما با توجه به اینکه در جامعه ایران مدیریت شهری تاکنون عمدتاً باسیاست زدگی و سطحی‌نگری درآمیکته و متولیان اجرایی آن نیز نتوانسته‌اند در طی دوران خدمت‌رسانی تعهدات و انتظارات شهروندان را برآورده کنند، لذا عمدتاً نقش مناسبی از این نهاد اجتماعی در اذهان شهروندان ایجاد نشده است و این امر نیز موجب افول مشارکت مردمی در برنامه‌های آن و رشد بی‌اعتمادی و بی‌اطمینانی به این دستگاه از سوی شهروندان شده است.

اگرچه طی سال‌های اخیر، نمونه‌های موفق در مدیریت شهری مشاهده شده که حاکی از تغییر دیدگاه‌های این مدیریت به‌سوی مشارکت مردمی است، اما به نظر می‌رسد تا رسیدن به نهایت مطلوب یعنی مشارکت کامل مردم در امور شهری فاصله زیادی داریم. فاصله‌ای که رافع آن نیازمند بسترسازی تسهیل‌فعالیت سمن‌ها چه در متن جامعه و از منظر اجتماعی و چه در زمینه‌های سیاسی است. بر این اساس به نظر می‌رسد در شرایط حاضر نه‌تنها بایستی به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت شهری توجه داشت بلکه باید نقش مدیریت شهری در ایجاد و تقویت این سازمان‌ها را نیز مورد توجه قرارداد. به‌بیان‌دیگر بی‌تردید مدیریت شهرداری نیز می‌تواند به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی شهر، ضمن آموزش و اطلاع‌رسانی ساکنین در خصوص ایجاد چنین سازمان‌هایی و یا ترغیب آنان به مشارکت در این سازمان‌ها، به توانمندسازی سازمان‌های مردمی موجود در محدوده جغرافیایی عملکرد خود نیز اهتمام ورزیده و حتی در این بین به تقویت سازمان‌های مردمی مورد نیاز خود بپردازد.

در فرضیه اصلی بین نهاد‌های مدنی و برقراری دموکراسی محلی رابطه معنی‌داری وجود دارد

نتایج آزمون نشان می‌دهد دموکراسی محلی از نهادهای مدنی متأثر است و با توجه به اطلاعات جدول هرچقدر میزان و میانگین مشارکت نهادهای مدنی بیشتر شود، میزان و میانگین برقراری دموکراسی محلی بیشتر خواهد شد.

در فرضیه بین نهادهای مدنی و مشارکت فرهنگی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون نشان می‌دهد مشارکت فرهنگی از نهادهای مدنی متأثر است و با توجه به اطلاعات جدول هرچقدر میزان و میانگین مشارکت نهادهای مدنی بیشتر شود، میزان و میانگین مشارکت فرهنگی بیشتر خواهد شد.

در فرضیات بین نهادهای مدنی و مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت مدیریتی، مشارکت مشاوره‌ای رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. در آزمون رگرسیون ضریب تعیین رگرسیون برابر $R^2 = 0/518$ است یعنی می‌توان با میزان $0/518$ به پیش‌بینی و همچنین تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پرداخت. به عبارتی ۵۰ درصد از تبیین (تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته) توسط در متغیرهای این پژوهش صورت گرفته و مابقی آن توسط متغیرهای و عوامل دیگر است.

در هر روی نهادهای مدنی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی دارای مشارکت بسیار بالایی در مدیریت شهری هستند. ولی در مشارکت مدیریتی، مشارکت مشاوره‌ای و مشارکت در تصمیم‌گیری نهادهای مدنی دارای مشارکت حداقلی هستند، اگر بهتر بنویسم در این حوزه‌ها نمی‌توانند مشارکتی داشته باشند برای برقراری دموکراسی محلی مشارکت باید همه‌جانبه باشد. درحالی‌که در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی نهادهای مدنی می‌توانند مشارکت کنند ولی در حوزه‌های مدیریتی، مشاوره‌ای و تصمیم‌گیری به حداقل میزان می‌رسد لذا یکی از مهم‌ترین ارکان دموکراسی با مشکلات اساسی مواجه می‌شود. برای شکل‌گیری دموکراسی باید مشارکت همه‌جانبه در مدیریت شهری نهادینه شود.

منابع

۱. آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، ۱۳۸۴
۲. اسلامی، حامد (۱۳۸۴)، جامعه مدنی در ایران امروز، نشریه دانش‌پژوهان، شماره ۹
۳. امام وردی، سلطان (۱۳۷۹)، بررسی مشکلات مدیریت شهری مورد مطالعه شهر تبریز، دانشگاه ملایر
۴. انوری، ابراهیم (۱۳۸۳)، مجموعه نکات و سؤالات حقوق بین‌الملل عمومی، نشر نیکان
۵. بابایی، علی‌رضا (۱۳۹۰)، مفهوم جامعه مدنی، روزنامه اعتماد، شماره ۲۳۱۶، مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۸
۶. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۶)، شهرسازی و توسعه پایدار، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۸
۷. بشیری، حسین (۱۳۷۴)، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی
۸. بشیری، حسین (۱۳۸۲)، عقل در سیاست: سی‌وپنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاست، تهران، نگاه معاصر
۹. پرتال جامع علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۱۰. ثابتی راد، عباس (۱۳۸۵)، آموزش‌های شهروندی، نشریه همشهری، ۱۳۸۵/۶/۲۵
۱۱. چاندوک، نیرا (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و دولت، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، تهران، نشر مرکز
۱۲. خزایی پارسا، فاطمه (۱۳۸۳)، تاریخچه و ویژگی سازمان‌های غیردولتی، چاپ اول، تهران، سازمان بهزیستی
۱۳. دفتر مشارکت و بسیج مردمی (۱۳۷۷)، آشنایی با تشکلهای زیست‌محیطی و منابع طبیعی ایران (جزوه)، تهران، وزارت جهاد سازندگی سابق
۱۴. دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی
۱۵. دلوی محمدرضا و دیگران (۱۳۷۹)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، نشر سیمین
۱۶. دهستانی اسفندآبادی، حسین (۱۳۸۶)، همکاری دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه، نشریه فرهنگ و تعاون، شماره ۴۷، صص: ۱۰-۱۳

۱۷. رهنما، محمدرحیم (۱۳۹۲)، تبیین ساختاری-کارکردی مدیریت مشارکتی شهری، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره یک، صص: ۱۶۹-۱۸۴
۱۸. سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲)، گزارش ملی جوانان (بررسی وضعیت تشکل‌های غیردولتی جوانان) تهران، اهل قلم سایت مرجع مدیریت شهری
۱۹. سعی دنیا، احمد (۱۳۷۹)، مدیریت شهری، تهران، سازمان شهرداری‌های کشور
۲۰. سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، مشارکت سازمان‌های غیردولتی در برنامه‌های میان‌مدت توسعه ایران، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، شماره ۶، صص: ۱۲۹-۱۵۰
۲۱. شرفی، مرجان و برک پور، ناصر (۱۳۸۹)، گونه‌شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری بر مبنای سطوح مختلف، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۴، دانشگاه هنر، صص: ۷۷-۱۰۱
۲۲. شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۸)، صدقی، جواد، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، فصلنامه علمی ترویجی، شماره ۱۵
۲۳. شهرداری تهران (۱۳۷۷)، گزارش کارگاه مشورتی مشارکت مردمی در ارزیابی فعالیت‌های شهرداری منطقه ۷ تهران
۲۴. صرافی، مظفر و دیگران (۱۳۷۹): مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره، صص: ۶۸-۸۱.
۲۵. عبدی دانش پور، زهره (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
۲۶. عظیمی (۱۳۷۷)، مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز، تهران، نقش و نگار
۲۷. علوی تبار (۱۳۷۷)، مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز، تهران، نقش و نگار
۲۸. عنبری، موسی (۱۳۸۵)، دولت، مشارکت و سازمان‌های غیردولتی، بررسی جایگاه و کارکردهای بخش سوم در توسعه، نامه صادق، شماره ۳۰، صص: ۱۷۹-۲۱۲
۲۹. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، مشارکت‌های مردمی و امور شهری، تهران، نشر جامعه و فرهنگ
۳۰. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۷)، سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار، تهران، مجنون، چاپ سوم
۳۱. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۸)، اخلاق در سازمان‌های مردم‌نهاد، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری
۳۲. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۰)، ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری محله‌ای ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۴ تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۸، شماره ۲۱، صص: ۷-۲۸
۳۳. کائوتری (۱۳۷۵)، مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غیری و داود طباطبایی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۳۴. کمالی، مسعود (۱۳۸۱)، دو انقلاب ایران، تهران، نشر دیگر
۳۵. گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۱)، راهنمای سازمان‌های غیردولتی، چاپ اول، تهران، ابرار
۳۶. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، تهران، نی، ۱۳۸۳، صص: ۷۹۰
۳۷. مرکز مطالعات حقوق بشر (۱۳۸۲)، حقوق بشر و چشم‌اندازها، دانشگاه تهران
۳۸. میرباقری، سید علی (۱۳۹۴)، یادداشت اجتماعات مدنی، دولت اعتدال و مخالفان آن، روزنامه ایران، شماره ۵۹۹۶
۳۹. نجات حسینی، سید محمود (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالش‌های تجربی، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور
۴۰. نوروزی، سجاد (۱۳۸۶)، مدیریت شهری چیست، سایت رسمی روزنامه همشهری، کد خبر: ۳۲۰۹۲
۴۱. یاراحمدی، امیر (۱۳۷۸) به سوی شهرسازی انسان‌گرا، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری

42. Brass, Jennifer N. (2010). "NGOs in Kenya: Increase State Legitimacy or Undermine Popular Support?" Presented at the Workshop on Political Theory & Policy Analysis Colloquium Series. Indiana University.
43. Bungler Alicia C. (2012) Administrative Coordination in Nonprofit Human Service Delivery Networks: The Role of Competition and Trust. "Nonprofit and Voluntary Sector quarterly" (online publication), p. 1-21.
44. Cain, Charles A (2007). *When a Charity Gives No Tax Advantages* (Charity Law and Practice Review 9(3) pp77- 83).
45. Checkel, Jeffrey. (2001). Why Comply? Social Learning and European Identity Change. *International Organization* 55, 3 (September): 553-88.
46. Cobb, N. K. (2002). The new philanthropy: Its impact on funding arts and culture. *Journal of Arts Management, Law & Society*, 32(2), 125.
47. Foster Mary K. Meinhard Agnes G. (2002) A Regression Model Explaining Predisposition to Collaborate. "Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly", vol. 31, p. 549-564.

48. Gallagher, B. A. (2004, June 22). Charity oversight and reform: Keeping bad things from happening to good charities. Retrieved June 27, 2004, from <http://national.unitedway.org/content/article.cfm?articleID=84>.
49. Hager, M. A. (2004b, July 23). Who raises contributions for America's nonprofit organizations? [Electronic version]. Retrieved September 6, 2004, from http://www.urban.org/UploadedPDF/311034_nonprofit_overhead2.pdf 311.
50. Hager, M. Rooney, P. & Pollak, T. (2002). How fundraising is carried out in US nonprofit organizations. *International Journal of Nonprofit & Voluntary Sector Marketing*, 7(4).
51. Henin, Chris. (1992). Civil Society Officer, NGO Unit Latin America, International Economic Relations Division, Operations Policy Department, World Bank. Author interview. Washington, DC, June.
52. Hickey, Sam. (2002). Transnational NGOs and Participatory forms of rights based development: Converging with the local politics of citizenship in Cameroon. *Journal of International Development*. Volume 14, 841–857.
53. Jacobs, J. A. (2004). Corporate governance reform: What it means for associations. *Association Management*, 56(1), 17.
54. Kaplan, A. (1999) *The Developing of Capacity*, Community Development Resource Association, Cape Town.
55. Kendall, Jeremy (2003). *The Voluntary Sector* (London: Routledge).
56. Kennedy, J. M. & Vargus, B. (2001). Challenges in survey research and their implications for philanthropic studies research. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 30(3), 483-494.
57. LaFond, A. and Brown, L. (2003) *A Guide to Monitoring and Evaluation of Capacity Building: Interventions in the Health Sector in Developing Countries*, MEASURE Evaluation Manual Series, Carolina Population Center, UNC, Chapel Hill.
58. Lewis, D. and Madon, S. (2003) 'Information systems and non-governmental development organizations (NGOs): Advocacy, organizational learning and accountability in a Southern NGO'. *The Information Society* 20, 2: 117–26.
59. Lewis, David; Kanji, nazneen (2009). *Non-governmental organizations and development*. London. Routledge.
60. Mac Abbey, E. (2008). Constructive regulation of nongovernment organizations. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 48, 370–376.
61. Morgan, Gareth G (2000). Changes in UK Tax-Effective Giving: Implications for Donor Fundraising Strategies *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing* 5(1) pp19-31.
62. Morgan, Gareth G (2002). Self-Regulation in the Voluntary Sector: An Investigation of Charity Independent Examiners in Proceedings of the NVCO Researching the Voluntary Sector Conference, University of Nottingham, September 2002.
63. Nelson P (2002). New Agendas and New Patterns of International NGO Political Action. *Volutes': Int. J. Volunt. Non-Profit Organ.* 13(4):377–392.
64. Osteen, Mark (ed) (2002), *The Question of the Gift: Essays Across Disciplines*, London: Routledge.
65. Reichardt, Oliver; Kane, David; Pratten, Belinda & Wilding, Karl (2008). *The UK Civil Society Almanac 2008* (London: NCVO).
66. Rogers, P. J (2008) 'Using programme theory to evaluate complicated and complex aspects of interventions', *Evaluation*, vol 14, no 1, pp29–48.
67. Sargeant, Adrian; West, Douglas C & Ford, John B (2004). *Does Perception Matter? An Empirical Analysis of Donor Behaviour* (*Service Industries Journal* 24(6), 19-36).
68. Shapely, Peter (2001), 'Urban Charity, Class Relations and Social Cohesion: Charitable Responses to the Cotton Famine', *Urban History*, 28.1: 46-64.
69. Sowa Jessica E. (2009) *The Collaboration Decision in Nonprofit Organizations: Views from the Front Line*. „Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly”, vol. 38, p. 1003-1025.
70. Tsisis Peter (2009) *The Social Processes of Interorganizational Collaboration and Conflict in Nonprofit Organizations*. „Nonprofit Management & Leadership”, vol. 20(1), p. 5-21.
71. UNDP, Counsel of Europe (2010). *Toolkit manual inter-municipal cooperation*. The United Nations Development Programme (UNDP) and the Local Government Initiative (LGI).